



## تروریسم بین‌المللی<sup>۱</sup>

دکتر علی آزمایش

استاد دانشگاه تهران

در حال حاضر، یکی از مباحث بحث‌انگیز بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی، بحث تروریسم است. متأسفانه امروزه بحث تروریسم، بیشتر جنبه سیاسی به خود گرفته است تا جنبه حقوقی. نخستین کنوانسیون بین‌المللی درباره تروریسم، در سال ۱۹۳۷، قبل از جنگ جهانی دوم و در زمان حاکمیت جامعه ملل سابق به امضا رسید. این کنوانسیون، گرچه هیچ‌گاه جنبه عملی به خود نگرفت، ولی پایه‌گذار مفاهیمی در قلمرو تروریسم شد که تا کنون در حقوق بین‌الملل جزایی حفظ شده است.

کنوانسیون مذکور، دارای دو بخش اساسی بود: «تعریف و ارکان جرم

۱. خلاصه متن سخنرانی جناب آقای دکتر علی آزمایش در دانشگاه علوم اسلامی رضوی در تاریخ ۱۳۸۰/۹/۱. (تلخیص و اضافات توسط آقایان: دکتر عباس شیخ‌الاسلامی و دکتر علیرضا حجت‌زاده)

تروریسم» و «نحوه تشکیل محکمه بین‌المللی جهت رسیدگی به جرم تروریسم بین‌المللی». دلیل عقیم ماندن این کنوانسیون، آن بود که با فاصله اندکی و قبل از لازم‌الاجرا شدن، جنگ دوم جهانی و بعد از آن، با فاصله کمی، جنگ سرد شروع شد.

متأسفانه در تمام طول جنگ دوم و جنگ سرد و بعد از آن، تروریسم به عنوان یک وسیله انتقام، مورد سوء استفاده قدرتهای بزرگ قرار گرفت و در نتیجه، عکس‌العملهای بین‌المللی نسبت به آن صورت نگرفت.

از دهه‌های هشتاد و نود، با فروپاشی نظام کمونیستی و از بین رفتن یکی از دو ابرقدرت، این بار تروریسم به شکل دیگری از ناحیه کشورهای کوچک و گروهها و نه قدرتهای بزرگ، مورد استفاده قرار گرفت. بعلاوه، این گسترش، از حیث تعداد، پراکندگی، ابعاد، شیوه‌ها، به کارگیری وسایل جدید و شدت آثار و نتایج آن نیز قابل ملاحظه بود و این موضوع باعث شد تا مجدداً تروریسم به نحو جدید و شدیدتری مورد توجه مجامع بین‌المللی قرار گیرد.

حال، سؤال اساسی این است که معنای تروریسم چیست؟ واژه تروریسم از کلمه «ترور» اخذ شده که به معنای رعب و وحشت است. بنابراین، تروریسم را می‌توانیم به ایجاد وحشت و رعب معنی کنیم. شبیه این جرم، در حقوق امروز ایران که متخذ از فقه اسلامی است، جرم محاربه است. محاربه یعنی «تجريد السلاح لاختافة الناس» (دست به اسلحه بردن برای ترساندن مردم). جرم محاربه، جرمی مطلق است و حتی لازم نیست به کسی صدمه و خسارت وارد شود. اما خصوصیت ذهنی مرتکب و انگیزه، شرط است و باید قصد ترساندن مردم وجود داشته باشد و عمل مرتکب، قابلیت ترساندن مردم را داشته باشد. بنابراین، نتیجه را نباید با انگیزه خلط کرد و مسلم است که نتیجه بزرگتر؛ مثلاً انفجار در سالن سینمای پر از جمعیت، ارعاب بیشتری از نتیجه کوچکتر؛ مثل انفجار در یک خیابان خلوت ایجاد می‌کند.



البته از دهه ۹۰ به بعد، تحولی در مفهوم تروریسم ایجاد شد و یکی از تأثیرات این تحول را می‌توان در قانون‌گذاری جزایی جدید فرانسه ملاحظه کرد. قانون جزایی جدید فرانسه در مواد ۴۲۱/۱ تا ۴۲۱/۴، طی چهار ماده، بزه تروریسم را تعریف، مصادیق آن را مشخص و عکس‌العمل‌های در برابر آن را با توجه به گستره آثار و نتایج آن، تعیین کرده است.

جرم تروریسم، ممکن است انفرادی یا سازمان‌یافته باشد. البته جرم تروریسم را نباید با سازمان مجرمانه اشتباه کرد. سازماندهی، ممکن است برای ارتکاب جرایم مختلف، از جمله تروریسم صورت پذیرد، اما تروریسم، ممکن است بدون سازمان و به شکل انفرادی باشد.

توجه دنیا به جرم تروریسم، بیشتر بعد از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ (۲۰ شهریور ۱۳۸۰) آمریکا و وحشت ناشی از آن اتفاق افتاد و با توجه به این حادثه و عدم موازنه سیاسی در روابط بین‌المللی، نگرش به تروریسم، کاملاً دگرگون شد. این تحول، به قدری سریع بود که از حد کشورها تجاوز کرد و به سازمان ملل متحد کشیده شد.

دوازده سپتامبر؛ یعنی یک روز پس از حادثه نیویورک، شورای امنیت به اتفاق آرا، قطعنامه صادر می‌کند! کدام قاضی می‌تواند ظرف ۲۴ ساعت، بدون در دست داشتن پرونده و مدارک و آثار و مدارک جرم و بدون احراز شناخت مرتکبان جرم، حکم (قطعنامه) صادر کند؟ بنابراین، قطعنامه شورای امنیت، ناشی از تنشهای سیاسی بین‌المللی است و رنگ سیاسی دارد تا حقوقی.

متأسفانه تروریسم با سرکوبی و مقابله و تلافی، تلازم پیدا کرد که این امر، منجر به خشونت بیشتر می‌شود و خشونت، تداوم می‌یابد. اما آنچه مورد توجه قرار نگرفت، ریشه‌یابی تروریسم بود. جرم، همپای زندگی بشری است و قابل حذف نیست، اما با شناخت علل، عوامل و ریشه‌های آن، می‌توان آن را کنترل کرد و نرخ آن را پایین آورد؛ کاری که باید در قلمرو

تروریسم بین‌المللی



نشستهای علمی

تروریسم هم صورت گیرد.

اما چرا تروریسم از دهه نود، تغییر شکل داد، گسترش پیدا کرد و کنترل نشد؟ عوامل، متعدد است و هر یک، جای بررسی عمیق دارد، ولی یکی از مهمترین عوامل، تحوّل شبکه‌های مجرمانه بین‌المللی است؛ بدین معنی که مجرمان بین‌المللی سازمان‌یافته، از تروریسم به عنوان ابزاری برای پیشبرد مقاصد خود استفاده می‌کنند و گاهی این مقاصد، منافع مالی است. همیشه تروریسم با انگیزه سیاسی نیست، بلکه در بسیاری از موارد، برای باج‌خواهی و کسب منافع مالی است.

از دیگر عوامل مؤثر در رشد تروریسم، دخالت دولتها در امر تروریسم است. دخالت دولتها در امر تروریسم، به اشکال گوناگونی صورت می‌گیرد. پس از فروپاشی شوروی و برهم خوردن موازنه سیاسی در دنیا، گاه تروریسم از جانب دولتهایی برای پیشبرد اهداف سیاسی یا برای احقاق حقوقی خود که بدون پشتوانه باقی مانده، صورت می‌گیرد. در این زمینه، گاهی دولتها به صورت مستقیم در امر تروریسم دخالت می‌کنند که به آن، تروریسم دولتی می‌گوییم.

تأمین منابع مالی، پناه دادن به تروریستها و خودداری از استرداد آنها برای محاکمه، از موارد دخالت دولتها در امر تروریسم است. همچنین بعضی دولتها و گروهها که معتقد به ایدئولوژیهای برتری جو هستند، از این وسیله برای پیشبرد مقاصد ایدئولوژیک خود استفاده می‌کنند. گاهی نیز مظلومان سیاسی دنیا، هنگامی که سخن و ناله آنها در هیچ جایی انعکاس نیابد، از این وسیله استفاده می‌کنند. این که احکام اسلامی، افراد را از یأس بر حذر می‌دارد، به دلیل پیشگیری از عکس‌العملهای خطرناک بعد از آن است. شما بارها در جرایم خوانده‌اید که کسی خود را در کاخ دادگستری یک کشور آتش زد یا خود را از طبقه آخر دادگستری به پایین پرت کرد. چرا؟ برای این که صدایش در محاکم به جایی نرسیده و مظلوم واقع شده است و می‌خواهد این ظلم را اعلام کند.



مجله تخصصی

دانشگاه علوم اسلامی رضوی

از دیگر عوامل گسترش تروریسم، سهولت دسترسی به سلاحهای مخرب، بخصوص پس از فروپاشی کشور شوروی سابق و قاچاق مواد اتمی از آن کشور توسط سودجویان بین‌المللی است. از دهه نود به بعد، این سلاحهای مخرب، به راحتی در دست گروههای مجرمانه سازمان‌یافته قرار گرفت.

عامل دیگر گسترش تروریسم، مصونیت اموال ناشی از اعمال مجرمانه تروریستی در سیستم بانکی بین‌المللی است. در مورد اخیر، دو کشور ایالات متحده آمریکا و سوئیس، از نقاط امن سپرده‌گذاری اشخاص، گروهها و دولتها محسوب می‌شود. به رغم این که اغلب کشورها، عضو کنوانسیونهای بین‌المللی مبارزه با تطهیر پول شده‌اند، ولی متأسفانه به مقررات این قراردادها عمل نمی‌شود.

جهت یادآوری سست بودن بعضی از مقررات بین‌المللی، ذکر این نکته خالی از لطف نیست که در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، هر دو کشور، دارای یک تحریم بین‌المللی در خصوص فروش اسلحه بودند، اما تنها در آلمان، ۳۴ شرکت آلمانی، همزمان به هر دو کشور اسلحه می‌فروختند. بنابراین، الحاق به یک قرارداد بین‌المللی، کار ساده‌ای است و با یک امضا محقق می‌شود، ولی عمل به آن، چون منوط به چشم‌پوشی از منافع مادی و شکوفایی اقتصادی است، مشکل است.

مثال دیگر در این زمینه، این است که در حال حاضر، با وجود قطعنامه‌های سازمان ملل مبنی بر محکومیت مکرر اسرائیل، به دلیل شرایط تک قطبی شدن جهان، این کشور، گستاخ شده و در منطقه ما، چنان که هر روز می‌شنویم و بخصوص پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و با سوء استفاده از توجه جهانی به این قضیه، چه می‌کند.

همچنین از نگاهی دیگر، تروریسم در شکل و محتوا نیز در حال تحوّل است؛ مثلاً تروریسم، دیگر تنها به شکل انفجار نیست و وسایل با خشونت کمتر، ولی مؤثرتر و دارای ارباب بیشتر، نظیر شیوع میکروبی خاص مطرح

تروریسم بین‌المللی



نشستهای علمی

است. بعلاوه، اشکال دیگر تروریسم، به صورت تروریسم زیست-محیطی؛ چنان که عراق به واسطه حمله به چاههای نفتی کویت، متهم به آن است، و یا تروریسم اقتصادی به شکل برهم زدن نظام اقتصادی یک کشور؛ نظیر آنچه در مالزی اتفاق افتاد، و یا تروریسم فرهنگی مطرح است که هر یک، بحث مستقلی را می‌طلبند.

از نگاهی دیگر به قضیه تروریسم، در حال حاضر، دوگانگی آشکاری در خصوص مقابله با آن ملاحظه می‌شود؛ زیرا با وجود این که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رم ۱۹۹۸، تروریسم به عنوان یک جنایت بین‌المللی قلمداد شده که مرتکب آن باید در یک دادگاه بین‌المللی و با قضات بین‌المللی مورد محاکمه و مجازات قرار گیرد و با وجود این که در قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل<sup>۱</sup>، توسل به زور بر ضد شورشیان یا تروریستهایی که کشور ثالثی به آنان پایگاه داده، ممنوع شده است و با این که در قضیه لاکربی و اتهام دو تبعه لیبی در انفجار هواپیمایی آمریکایی، شورای امنیت طی قطعنامه‌ای، استرداد و محاکمه آنان را در یک کشور بی‌طرف خواستار شد و این امر، جدای از اشکالات حقوقی (اصولاً از دیدگاه قوانین استرداد، تبعه قابل استرداد نیست) به عنوان یک سند بین‌المللی در باب تروریسم، اساس قرار گرفت، اما شتاب‌زدگی در اتخاذ تصمیم ۱۲ و ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ به وسیله شورای امنیت سازمان ملل متحد، باعث سوء استفاده دولت آمریکا و متحدانش از قضیه مقابله با تروریسم گردید.

آمریکا با سوء استفاده از قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت، عمل خود در



مجله تخصصی

دانشگاه علوم اسلامی رضوی

۱. نظیر اعلامیه‌های متعدد ارگانهای مختلف سازمان ملل متحد درباره حمله اسرائیل به لبنان (۱۹۷۰-۱۹۸۳) و به تونس (۱۹۸۵) و حملات آفریقای جنوبی به زامبیا (۱۹۶۷ و ۱۹۸۰)، سوتو (۱۹۸۲) و آنگولا (۱۹۷۶، ۱۹۷۸، ۱۹۸۰ و ۱۹۸۴). بعلاوه، عملکرد سازمان ملل درباره دخالت شوروی در چکسلواکی (۱۹۶۸) و افغانستان (۱۹۷۹)، مؤید این موضوع است.

حمله به افغانستان را مصداق دفاع مشروع دانست، اما این ادعا مسموع نیست و حمله به افغانستان، انتقام است، نه دفاع مشروع؛ زیرا دفاع مشروع، پس از اتمام حمله و وقوع حادثه، بی‌معناست. دفاع از خود، لشکرکشی به یک کشور با حاکمیت مستقل نیست، بلکه بیرون راندن اشغالگر از خاک است. تجاوز آمریکا حتی انتقام نیز نیست، بلکه پی‌جویی و جست‌وجوی منافع مالی و منطقه‌ای برای ۵۰ سال آینده است.

دومین انتقاد، به انفعال بسیاری از کشورها در اتخاذ مواضع معقول و واکنش منطقی در ارتکاب چنین اعمالی است. در همان دو یا سه هفته سکوت، آمریکا مشغول برنامه‌ریزی بود و تنها صداهای بسیار ضعیفی از حلقوم بعضی حقوق‌دانان اروپایی درآمد که این مرعوب شدن، غلط است. گرچه در حال حاضر، حقوق‌دانان و دولتمردان، کم‌کم از حالت رعب‌درمی‌آیند و عکس‌العمل نشان می‌دهند، ولی کمی دیر شده و کاری که نباید می‌شد، صورت گرفته است. حداقل در این مقطع، از حقوق‌دانان کشورهای مختلف انتظار می‌رود که عکس‌العمل نشان دهند و با تعیین و تعریف حدود و مرزهای تروریسم، استفاده نابجای آمریکا از قطعنامه ۱۳۷۳ مورخه ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت را تحلیل و نقد کنند.

خلاصه کلام این که، حفظ حقوق حاکمیتها و در عین حال، ایجاد نظم بین‌المللی و تعادل آن ایجاب می‌کند که با قضا یا به شکل حقوقی برخورد شود. باید مانند هر پدیده اجتماعی دیگر، تروریسم نیز ریشه‌یابی شود و راههای پیشگیری از آن، ارائه شود. بعلاوه، با تعریفی مشترک از تروریسم، به عکس‌العملی مشترک و حقوقی در قبال آن در سطح بین‌المللی رسید. این عکس‌العمل، شاید در مرحله اول، الحاق ۱۵ کشور دیگر به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رم ۱۹۹۸ باشد. البته با الحاق ۱۵ کشور و رسیدن به حد نصاب ۶۰ کشور، تنها اساسنامه، ناظر به کشورهای عضو می‌شود. بنابراین، باید منتظر گسترش دامنه صلاحیت آن به تمام کشورها بود.

تروریسم بین‌المللی



نشستهای علمی